قول علامه مستلزم نفی حجیت اماره حتی در فرض عدم انکشاف خطا

(16:12)

خب این را چرا عرض می‌کنم؟ به‌خاطر فرمایش سید است. سید فرمودند:

> **و قال العلّامة في المختلف: يجب صومه مطلقا؛ لأنّ الاحتياط للصوم متعيّن فلا يجوز الإقدام على الإفطار، بناء على مثل هذه الروايات المفيدة للظنّ المعارضة بمثلها. و فيه نظر.[1]**

چطور می‌شود که می‌فرمایند «و فیه النظر»؟ یکی از آن‌ها همین است که الآن من عرض کردم. روایتی که معارض به مثلش است را خلاصه حجت می‌دانید یا نمی‌دانید؟ اگر به‌خاطر تعارض حجت نمی‌دانید، احتیاط للصوم هم متعین نیست؛ چون هیچ اماره‌ای ندارید. اگر هم بعد المعارضه حجت می‌دانید، نمی‌توانید بگویید روز سی و یکم واجب است. وقتی این ظن حجت شد... . نکته‌ای که باعث می‌شود فرمایش سید با فرمایش ایشان متفاوت شود، این است: سید فرمودند «لانکشاف الخطا»؛ کار را تمام کردند؛ اماره بود و انکشاف خطا شد. علامه که به «انکشاف الخطا» تصریح نکردند. «فیه النظر» سید، بر فرمایش ایشان چطور معنا می‌شود؟ می‌گویند شما که می‌گویید اماره هست و بعداً می‌گویید ولو هوا ابر بود و در شب سی و یکم اصالةً قدرت استهلال نداشتیم، علامه می‌فرمایند این بی خودی است. اگر هوا ابر بود باید سی و یکم را روزه بگیرید. چرا؟ «لمثل هذه الروایات المفیدة للظن». این فقط ظن را آورده. معارضه که نداشته. پس ولو ابر هم بود باید فردا را روزه بگیرید. معنای این چیست؟ معنایش این است که اماره‌ای که شما شرعاً حجت می‌دانید، حتی اگر انکشاف خطا نشد، فایده ندارد و باید احتیاط کنید.

شاگرد: سیاق فرمایش ایشان این است که گویا از بیرون دلیلی برای احتیاط صوم در جایی که تساقط امارات می شود دارند..

استاد: احتیاط برای صوم لازم است، روی فرمایش ایشان اماره معتبر پیدا کردیم، ولو خلافش هم ثابت نشود، ولی خود شارع اماره را حجت کرده، شما می‌گویید باز باید احتیاط کنیم؟!

شاگرد: هر دو اماره تساقط کرده اند.

استاد: وقتی ابری است، کجا تساقط کرده اند؟! هوا ابر است؛ «او حصلت العلة». سید قید زدند و گفتند اگر ابر است، تمام است؛ دیگر سی و یکم را روزه نگیرید. علامه فرمودند اگر هوا ابر است باید روز سی و یکم را روزه بگیرید. «فیه نظر»، چرا؟ چون اگر شما این اماره را پذیرفتید وقتی

انکشاف خطا نشد، چرا باز می‌گویی احتیاط واجب است؟! این «فیه نظر» سید، نسبت به عبارت مختلف بود.

شاگرد۲: در اول ماه آن روایات را داشتیم و با آن‌ها ماه را شروع کردیم. در آخر ماه در مقام عمل باید سی و یکم را هم روزه بگیریم، بدون این‌که «عد ثلاثین» را کنار بگذاریم؟ یعنی معارضه را چه کار می‌کنند؟

استاد: روایاتی می‌گفت که باید شب قبل ببینند. این روایات می‌گفت اگر قبل از زوال هم ببینند کافی است. این معارضه بود. "المعارضة بمثلها" منظورشان این بود. خب حالا که معارضه بود، احتیاط للصوم روز اولی که قبل از زوال دیدیم را روزه گرفتیم. حالا می‌بینیم سی روز هم روزه گرفته‌ایم و هلال هم نبود ای ابر بود؛ علامه چه می‌فرمایند؟ می‌فرمایند این روایاتی که مفید ظن است و معارض با مثلش هست، نمی‌توانند احتیاط نسبت به صوم را از دست ما بگیرد؛ لذا باید روز سی و یکم را هم روزه بگیریم. خب امارهٔ معارض برای شما حجت داشت یا نه؟ اگر حجت داشت، با فرض اول ماه چه شد؟ وجوب را برای اول آورد و برای پایان نیاورد.

شاگرد: ایشان حجت آن‌ها را تعلیقی در نظر می‌گیرد. یعنی اگر مخالف احتیاط نبود، حجت است.

استاد: پس احتیاط واجب است، نه این روایات. بسیار خب؛ پس اگر ما باشیم و جناب علامه سؤال ما این می‌شود: اگر این روایات مفید ظن است و بالمعارضه حجت ندارد که حتی در صورت عدم تبیین خطا نباید به او اعتناء کنید؛ اگر حجت ندارند از کجا به شارع نسبت می‌دهید که وَجَبَ روزه اول ماه؛ سی ام شعبان؟! سی ام شعبان بود که شما قبل از زوال دیدید، می‌گوید واجب است که روزه بگیرید احتیاطاً للصوم. روایاتی که امارهٔ حجت بالفعل تامه ندارد، از کجا وجوب را به شارع نسبت می‌دهید؟!

شاگرد: حجت کشفی ندارد اما می‌تواند حجت احتیاطی داشته باشد.

شاگرد۲: شبیه بحثی می‌شود که حضرت عالی قبلاً فرمودید که تعارض لزوماً تساقط نیست، ترجیح است. یعنی علامه یک ذهنیت ترجیحی به تعارض داشته، نه تساقط.

استاد: بله، ولو از خود مختلف عبارت آوردند که ایشان قائل به اقل و اکثر استقلالی است. ولی در دفاع از فرمایش ایشان می‌گوییم اول ماه که هنوز واجب شروع نشده. اگر یادتان باشد عرض کردم «فلیَصُمهُ». اگر بگوییم کل شهر مبارک به‌عنوان یک مکلف به، مؤمن به آن مکلف است، اینجا مانعی ندارد. ولی صحبت سر این است که اگر احتیاط به این صورت لازم باشد، دیگر ربطی به امارهٔ ندارد.

شاگرد: عرض من این بود که این امارهٔ معارض، برای ما مجرای احتیاط بسازد. وقتی معارَض است به‌خودی‌خود برای ما حجت نمی‌شود. صرفاً مَجری برای احتیاط درست می‌کند. در آخر ماه مبارک برای من تردد را می‌سازد که احتیاط کنم.

استاد: در خصوص صوم یا مطلق؟! یعنی در یک بحث اصولی می‌گوییم امارهٔ ای هست که حجت نیست اما وقتی آن امارهٔ موافق احتیاط است، وجوب را می‌آورد؟ «الامارات غیر الحجة تکون حجة اذا وافقت الاحتیاط»؟

شاگرد: کلی که نمی‌توان گفت.

استاد: بسیار خب، در اصول این را نمی‌گوییم. در خصوص صوم باید این را بفرمایید. چرا؟ این هم دلیل می‌خواهد. با این همه روایاتی که در «صم للرویه» داریم. خودشان فرمودند «المعارضة

بمثل‌ها». «صم للرویه» یعنی چه؟ یعنی می‌خواهم احتیاط کنید؟! خود این‌که می‌فرمایند «المعارضة بمثل‌ها»، ره دوش را دارد؛ هم می‌فرمایید «صم للرویه» و هم می‌فرمایید «افطر للرویه». «صم للرویه» یعنی چه؟ یعنی من برای ابتدای صوم احتیاط نمی‌خواهم. پس ایشان باید برای این امار‌ه قوتی در حجیتش قائل باشند که بگویند این روایت می‌گوید اگر قبل از زوال دیدید صوم سی ام شعبان واجب است؛ دیگر سی ام شعبان نیست و اول ماه رمضان است. خب اگر این قوت را دیدید، ولو در آن انکشاف خطا نشود شما می‌گویید باید روزه بگیرید. این خیلی عجیب است. وجوب را اول کار آورد اما ولو انکشاف خطا نشود شما باید در آخر کار، سی و یکم را روزه بگیرید. من برای «فیه نظر» سیدچند وجه دارم.

شاگرد۲: این امار‌ه موضوعی است؛ لذا جنبه کشفش مهم است. چون در نظر شارع بحث صوم مهم است، در یک جا کشف کمک می‌کند که وجوب صوم در اول ماه بیاید ولی در آخر ماه ممکن است نیاید. این دو منافاتی با هم ندارد. یعنی به بحث اصولی مربوط نمی‌شود. بلکه چون صوم مهم است یک جا می‌آید و یک جا نمی‌آید. لذا استبعادی ندارد.

استاد: می فرمایید شاید فرمایش هر دو بزرگوار به این صورت باشد: در صوم در خصوص ابتدای شهر، این روایت رؤیت قبل از زوال، احتیاط را به‌عنوان امار‌ه می‌آورد. امار‌ه ای است که موافق احتیاط است و در خصوص مورد احتیاط للصوم، وجوب صوم سی ام شعبان را فعلاً به‌عنوان اول ماه مبارک می‌آورد. خب اگر درآخر کار کشف خطا نشد، چه؟ اولش فقط می‌خواست احتیاط کند و این جور نیست که اگر کشف خطا نشد، بگوییم سی روز روزه گرفته‌ایم و تمام. این روایات برای ما اول ماه را نیاورده، فقط احتیاط للصوم را آورد و خلاص. لذا در پایان ماه تنها درصورتی‌که هوا صاف باشد و هلال را ببینید، آن رؤیت قبل از زوال ماه را برای شما سی روز کرده است. یعنی دیگر بیست و نه روز نشده. همین. اگر اول زوال را نمی‌گرفتید، با رؤیت آخر، کل ماه شما بیست و نه روز می‌شد. روایت فقط این ماه را برای شما سی کرده و خلاص.

شاگرد: اشکالش چیست؟

استاد: من فرمایش شما را تقریر کردم.

شاگرد۲: از روایات نمی‌توان اینگونه استظهار کرد که به‌خاطر احتیاط در ابتدای ماه باشد.

استاد: بله، نکته این بود؛ سید فرمودند اصلاً روایت رؤیت قبل از زوال در روایت عبید برای شوال بود. این نکته مهمی است. شما می‌گویید روایت قبل از زوال می‌گوید که احتیاط کن. درحالی‌که دو روایت بود؛ کنارش امام علیه‌السلام در روایت عبید فرمودند «اذا رئی قبل الزوال فهذا لیوم من شوال»، این یعنی در اول وجوب صوم را ثابت کرد و در آخر ولو ندیدی باید ببینی؟! یعنی شما روایتی که به‌عنوان امار‌ه معارض با مثل خودش قرار داده ای، تصریح خودش برای شوال است، شما به این توجه ندارید. این هم از آن هایی است که فرمایش علامه را دور می‌برد.

شاگرد: اگر به این صورت باشد کأنّ تعارضی شکل نمی‌گیرد؟

استاد: بله. سید هم اشاره فرمودند. فلذا در «فیه نظر» چند وجه هست. اصل احتیاط لازم نیست. امار‌ه در صورت عدم کشف خلاف از امارات نمی افتد. اینها ضوابط روشن فقه است. شما وقتی طبق یک امار‌ه جلو می‌روید، اگر کشف خلاف نشد، می‌گویید بی خودی است و باید احتیاط کنید؟! یعنی خلاف مرتکز کل است. مگر این‌که دلیل محکمی در صوم داشته باشید که ندارید. بلکه معارضه به مثل در مقابلش دارد این معنا را تضعیف می‌کند.

شاگرد۳: علامه اصلاً قائل به امارات نیست؟ برای شروع هم قائل به امارات نیست. ظاهراً آن هم از باب احتیاط است.

استاد: بله، معلوم است که در ذهن شریف ایشان برای احتیاط پر رنگ است. ذیل آن حدیث شریف که حضرت فرمودند ام شهادت مرأة را در فطر قبول نمی‌کنیم، در صوم قبول می‌کنیم. روایت در وسائل بود. یکی-دو جلسه راجع به این روایت بحث کردیم که این به چه معنا است. این احتیاط صوم از چه باب است؟ این روایت نکات مهمی در برداشت. در ذهنم هست که این را بحث کردیم. گاهی در ذهن مطالبی را آماده می‌کنم که عرض کنم، در مباحثه اصالً مطرح نمی‌شود و به خیالم مطرح کرده‌ایم.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۸۶

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 10:51:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 10:53:16 توسط ... .